


<p>دو اشتراک سالیانه برای ناشرین طهران سالیانه ۱۰ قران ششماه ۱۰ قران سالیانه ۵ قران سایر ولایات سالیانه دو تومان</p>		<p>اداره روزنامه آینه غیبنا طهران سرای امیر مدیر و نگارنده سید عبدالرحیم کاشانی</p>
<p>۶۶۰ ۱۲ قران تمام خارجه سالیانه ۱۲ فرانک ۶۰ ماه ۸ فرانک قیمت اعلانات سطرى دهها</p>	<p>آینه غیبنا نماینده جن و عیب سایر ولایات ۵ شاهی مکتب نزه ۴ شاهی</p>	<p>عنوان مکرافات و مراسلات اداره جریده غیبنا دوشنبه سیزدهم شهر صفر ۱۳۲۶ مطابق ۱۶ مارس ماه فرزند ۱۹۰۸</p>

این روزنامه آزاد دارای تصاویر مشاییر ایران و دکلامی مجلس شورای ملی و مدیران جراند و حامیان مشروطه و صاحبان آثار باقیه میباشد و کارهای زشت را که رنگ آن باعث ترقی ملت و مملکت است مجتمه بواسطه کاریکارتر نشان میدهد که در اشای سال کتابی خواهد بود در این تصاویر

جهت تأخیر رسم صورت مبارک این مرحوم برای تقریبات ملت ایران دادید و طلب مغفرت بجهت این پادشاه خیرخواه بودست عی از برادران وطنی دایمانی بستم هر کس این صورت مبارک را در طلب مغفرت مخصوص بفرماید



رنگ آمیزی کلان عارف تبرک
 (رنگ آمیزی کلان عارف تبرک)

رنگ آمیزی کلان عارف تبرک
 (رنگ آمیزی کلان عارف تبرک)

بیت و رضوان آرامگاه طوبی مکان خلد آشیان علیحضرت امپراطور ایران پادشاه رعیت دوست مهربان مظفرالدین شاه قاجار نورنهد مرقد که کردن سی کردت ایران را از قید اسارت و بندگی دستبند آزاد فرمود و نام گرامی خود را زینت صحایف تواریخ عالم فرمود

پول خلیشان دارد پول مملکت را آباد میکند پول مملکت را خراب میکند پول انجمنها تشکیل مینماید پول انجمنها را خراب میکند پول آدم را مشروطه طلب میکند پول مشروطه طلب را مستبد مینماید پول برای عالم مرید درست میکند پول عالم را سوار توب میکند پول عادل را امتحان میکند پول آملی را بالایی منسب میکند پول بزبان ادجاری میکند که هر کس (مشرود)



طهران

سجده

خیابان لاله زار

شاخ درخت استبداد که توسط مردم شکست خورد از دنیا جانی نماند

درخت کبریا

آه نظروان این شاخه را بگردان

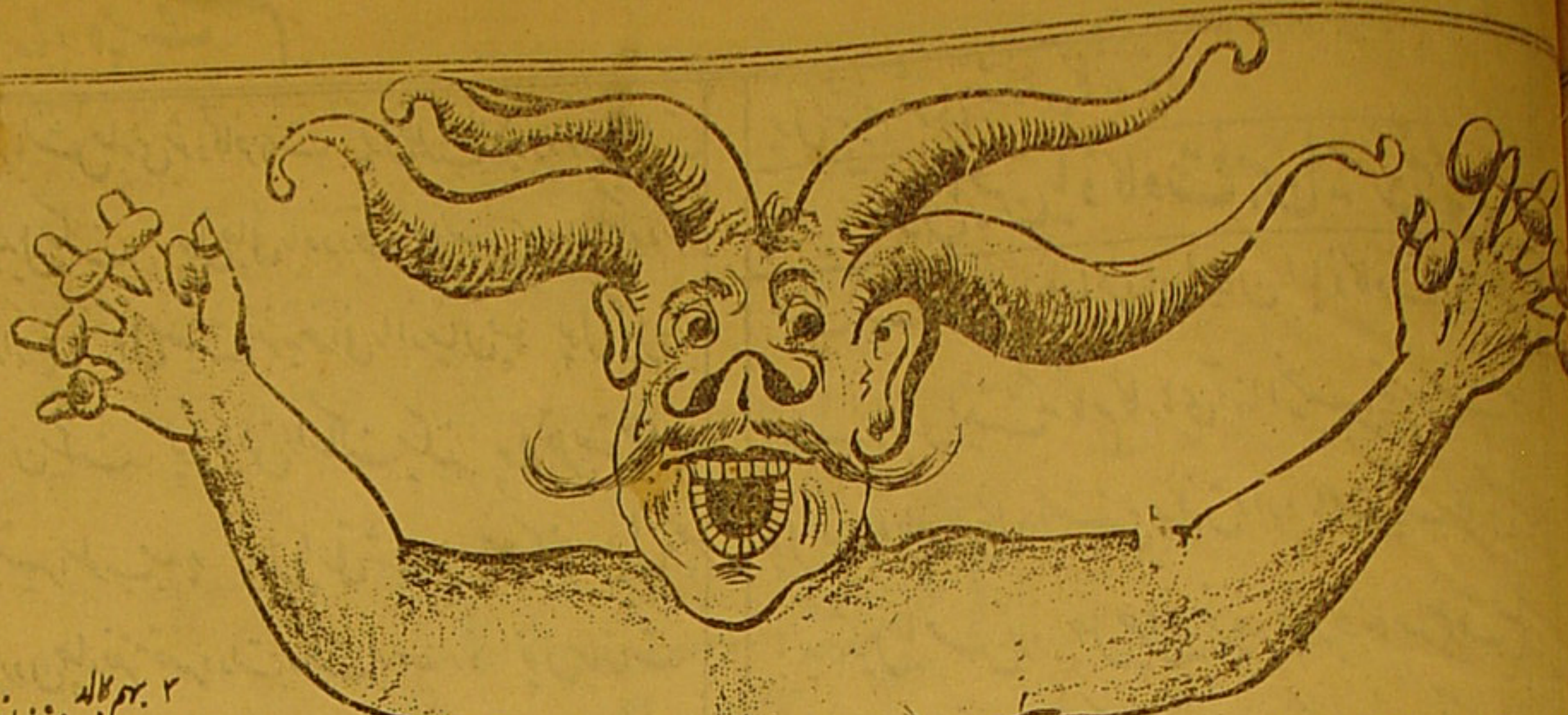
درخت استبداد که شاخه خود را شکست خورد از دنیا جانی نماند

راه مطهران که می آید با خداست

دوازده روز از طهران
طهران
دوازده روز از طهران

چاه میدان

سجده



۲ هم باله
مستبدین با الشرا بر ذمه
مستبد شکل ظاهری و تحقیقی خود
شما قبوله میشود

از یک قایدی در ناف این جانور که آمد



برباش جاری شود کافرات پول ظلمت را بنور و نور را بظلمت
 تبدیل میکند پول جانی را در دوقدر مجالس اسباب شکره رفته
 قرار میدهد پول معیبت تغزیه خوانی را از میان میرد پول دکیل را
 خان میکند پول ناطق را ساکت میکند پول قلم بعضی را بیدار
 تغییر اسلوب میدهد پول پارقی شب در دست میکند پول زنجیر
 ار کردن چار نقره مقصد دولت و ملت برسد ارد پول مجازات
 مرگین را عفو میکند پول بلدی را محمل میکند ارد پول انجمن
 بر ضد زبانهای ملت محرک میشود پول حضرت عبدالعظیم
 متوشش میکند پول اشرار را دادار میکند فریاد کنند ما مشروطه
 میخواهیم یعنی استبداد میخواهیم پول چشم آنها کور و خودشان را
 خرم میکند که سنی حرف خودش را که برخلاف عقل تمام مردم است
 نفهمد پول میرزا عنایت الله را پاره پاره میکند پول یک سینه
 که تمام شهر معروف است دادار میکند بدون جهت خارجی چشم
 مرده را پدید میآورد پول قوام الملک را پیکناه میکند
 پول سیدناشم را با برادران شهری و وطنی و اسلامی خودش
 بنارعه و متعانه میکشاند پول ناپ حسین پست شهید را پست
 دراز کردن بصمت و قتل انالی کاشان برمی انجیراند پول وزیر
 خائن میکند پول و اخلا را بکشتن کلمه غیر حق دلالت میکند پول
 کسی را که باید امورات یک مملکتی را بعلم خود آباد کند بر سیکراند و بر ضد
 خیر وطن اقدام میکند و امش را سده الدوله میکند ارد بر عکس نهند
 نام زنجی کافر پول بعضی جراید را مبرنی رئیس جدید تحریک میکند
 پول فرمان فرما را در بردی دشمن پیکار و مظل میکند ارد پول
 آدم را پینیرت میکند پول آدم را وطن فرودش میکند پول
 آدم را ظالم میکند پول آدم را پرچم میکند پول آدم را سجاه
 کندن برای خود مقرر میکند پول تیشه میخورد و بر پیشه آدم
 میزند پول مملکت را بنهار جبهه میدهد اگر نخواهیم از شهنوات

پول بشایم تنوی هفتاد من کاغذ شود

تبدیل با حسن یا ذکاوت ذهن با حسن تدبیر

عبث نیست که تمام اهل دنیا مردمان ایران را با ذکاوت و باهوش
 بنویسند برای اینست که تمام کارهای آنها از حسن تدبیر است مثلاً
 پول نقره یا طلا را نگاه داشتن چه فرق دارد با سنگ نگاه داشتن
 باید تبدیل با حسن کرد چهل چراغ خرید جارج کاره ظرف صینی
 خرید اطاق را زینت داد که بچینی خرید سک چدن آورد و ناچار
 اطاق گذاشت اسباب سگوه اطاق باشد قدر برای شکوه مجلس
 حضرت سید الشهدا خرج کرد کاغذ آورد قرآن نوشت حلوار
 آورد که مرده ها کفن بایشان که باس نباشد فکل و کراوات خرید
 و بگردن بست که مردم بدانند این زبان میدانند ارسنی فرسخی خرید
 چرا که قیمت او چهار تومان یا پنج تومان است ارسنی وطن دو تومان
 کزاف است دقتی نگارنده در لندن بودم رقم مغازه دیدم
 یکت زنی که صاحب مغازه و فرانسوی است یک لیره بادش داد
 که برود یک زوج ارسنی از فلان مغازه فرانسوی بخرد او رفته دوایر
 سلینگ خرید و هشت سلینگ تمه پول را آورد آن زن
 میگوید من میدانم در مغازه فرانسوی یک لیره کمتر نمیدهد و از جای
 دیگر خریده البته بد پس بده برای اینکه من میخواهم از اجناس وطن
 خودم را بخرم حال رسم در ایران مصداق همان مطلب واقع
 شده مردمان وطن فرودش که اسم خود را مشروطه طلب و وطن
 خواه میگذارند ارسنی یا پوتین دو تومان یا سه تومان را میخرند و
 شش تومان از فرنگی میخرند محضاً لاشطان که این پول از
 مملکت خارج شود که وطن دوستی این است که ما نداریم

وای اگر ارسن امروز بود فردائی

اعلان کارت پستال

شکل عباس آقای اذربایجانی آقای آقا سید جمال و جورهائی نویسنده
 در بازار امیر مغازه آقا سید حسین نفرو شش میرسد